

هشت گفتار دربارہی موسیقی ۴

داریوش صفوت
به شش ستاره صفوت
ویران: نادر جهرانی/
امین پاشا صمدی / علی شہر آشوب

www.ketab.ir

صفوت، داریوش، ۱۳۰۷ - ۱۳۹۲.
هشت گفتار درباره‌ی موسیقی ۴/ داریوش صفوت.
تهران: ارس، ۱۳۹۲.

ISBN: 978-600-5630-46-6

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا
۱. موسیقی -- فلسفه و زیبایی‌شناسی. ۲. موسیقی ایرانی
۷۸۱/۱۷ ML ۲۸۴۵/ص ۷۵۳
۱۳۹۲

۳۳۳۵۰۴۰

کتابخانه ملی ایران

کتاب گفتار درباره‌ی موسیقی ۴

ارزش صفوت

نویسنده: چای اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

شابک: ۶-۴۶-۵۶۳۰-۶۰۰-۱۷

کلیه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان یوسف آباد، نبش خیابان دورودیه

پلاک ۴، طبقه سوم غربی

تلفن: ۶۶۴۸۸۱۸۰

مرکز پخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲

انتشارات



فهرست

گفتار یکم/ هفت بوته نمایش موسیقی ایران	۱۵
ایران، سرزمین آریایی ها	۱۶
بوته‌ی اول	۱۸
بوته‌ی دوم	۱۸
بوته‌ی سوم	۲۱
بوته‌ی چهارم	۲۱
بوته‌ی پنجم	۲۲
بوته‌ی ششم	۲۲
لهجه‌های مختلف موسیقی ایرانی	۲۵
اشاعه‌ی موسیقی ایرانی، از ایران به اروپا	۲۶
تغییرات موسیقی ایرانی بعد از اسلام	۲۷
بوته‌ی هفتم	۳۱
سه سنت موسیقی در دوره‌ی قاجاریه	۳۵
تغییر یافتن موسیقی ایرانی از مقامات به دستگاه‌ها	۳۷
فرضیه‌ای درباره‌ی شکل گرفتن زویدی دستگاهی	۴۰
روحیه‌ی عرفانی موسیقی ایران	۴۲

۴۴ موسیقی ایران، موسیقی پیوندخورده

۴۵ دوره‌ی معاصر یا پوته‌ی هشتم

گفتار دوم / درآمدی بر شناخت موسیقی ایرانی ۵۳

۵۵ درآمد

۵۸ شناخت

۵۹ دوگانی‌های موسیقی ایرانی

۶۰ ۱. مطبوع و مؤثر

۶۲ ۲. باب و دفع نیرو

۶۶ فن و حال

۶۷ ۴. دو و لاقیت

۷۰ ۵. حفظ و آوازی بدیه‌پردازی

۷۰ ۶. آرامش و بیان

۷۳ ۷. نرمش و قدرت

گفتار سوم / تأثیر موسیقی بر زندگی ۷۷

۷۸ بدیه‌پردازی

۷۹ از حفظ‌نوازی و نقش آن در بدیه‌پردازی

۸۰ حال و ویژگی‌های آن

گفتار چهارم / اصول زندگی هر هنرمند ۸۵

۸۵ تعریف اصول

۸۷ تقسیم‌بندی اصول

۸۹ ۱. اصل تبعیت

۹۱ ۲. اصل دست‌باز

۹۵ ۳. اصل پاکی

۹۶ ۴. اصل درستی

۹۸ ۵. اصل راستی

۶. اصل از خودگذشتگی ۱۰۰
۷. اصل تکرار ۱۰۰
۸. اصل آگاهی از حجم کار ۱۰۲
۹. اصل عادت ۱۰۳
۱۰. اصل تدریج ۱۰۴
۱۱. اصل ارتباط بین زندگی خصوصی و زندگی هنری ۱۰۵
۱۲. اصل دیسیپلین و انتظام ۱۰۵
۱۳. اصل مفید بودن و سبکباری ۱۰۶
۱۴. اصل آزادی ۱۰۷
۱۵. اصل نرمش ۱۰۸
۱۶. اصل عدم تجاوز و عفو ۱۰۸
۱۷. اصل سلامت ۱۰۹
۱۸. اصل امانت ۱۰۹
۱۹. اصل صداقت ۱۱۰
۲۰. اصل حق‌بینی ۱۱۰
۲۱. اصل خودبینی ۱۱۰
۲۲. اصل در اجتماع بودن ۱۱۱
۲۳. اصل اراده ۱۱۲
۲۴. اصل حقیقت و مجاز ۱۱۲
۲۵. اصل تعادل بین درک و احساس ۱۱۳

۱۱۷. گفتار پنجم / هندسه الهی در هنر

۱۱۸. گفتار ششم / زیبایی‌شناسی در هنر

۱۲۶. مبادی و مسائل فلسفه

۱۲۷. شناخت انی و شناخت لئی

۱۲۸. دلایل نقلی و دلایل عقلی

۱۳۳. فرمول‌های معنوی

- ۱۳۳ اثر، مؤثر و تأثیر
- ۱۳۵ ویژگی علوم ظاهری: از اثر به مؤثر رسیدن
- ۱۳۵ تعریف زیبایی
- ۱۳۹ اصل متعارف و اصل موضوع در زیبایی‌شناسی
- ۱۴۲ نسبت و تناسب
- ۱۴۳ پیامد عدم پذیرش اصل موضوع در زیبایی‌شناسی
- ۱۴۴ باقی بودن زیبایی، به‌رغم وجود مخالفان

مجموعه دوم / سخنرانی در انجمن فرهنگ ایران باستان، درباره‌ی موسیقی

۱۴۷ باستان ایران

گفتار هشتاد و یک / نثر فارسی اصوات موسیقی ۱۵۱

مقدمه‌ی ناشر

موسیقی از جمله واسطه‌های بین انسان و حیوانات است و مجرد نسبی به قول فارابی، صورت بی‌ماده است و در عالم مجرد فرار دارد با آنکه از جنس زمان است، ولی در عالم بی‌زمانی است و با آنکه یک ثبوت دارد در عالم محو مستقر گردیدم وقتی از امکان به وجوب می‌رسد، ماده می‌نیرد و چیزی پیدا می‌کند و در زمان جاری می‌شود حقیقتش در رابطه‌هاست، نه در عناصر. موسیقی است، نه در اجزا. در موسیقی‌های سنتی یک نظام کلی وجود دارد که مانند ستون و چارچوبی برای بدیهه‌پردازی به کار می‌رود و هنرمند را راهنمایی می‌کند بسته به سلیقه‌ای که هنرمند دارد، می‌تواند از این الگوی اولیه فراتر رود و ترکیبات جدیدی به وجود آورد، یا اینکه در همان الگوی اولیه دخل و تصرف کند؛ اینکه هر الگو (گوشه) قابلیت ترکیب و اتصال را با کدام قسمت این نظام موسیقایی دارد، با تعمق و تجربه حاصل می‌شود و همان است که قلما آن را «محرم شدن گوشه‌ها با موسیقی‌دان و بیان کردن سر خود» می‌نامیدند. هر یک از این الگوها (گوشه‌ها) برای حالت روحی

خاصی ساخته شده‌اند و در آنها نشئه‌ای مستر است، که تا زمانی که موسیقی‌دان آن نشئه‌ی روحی را درک نکرده باشد، نمی‌تواند آن را در موسیقی خود اجرا کند و همچنین قابلیت اتصال آن را نیز به ساختار کلی آن نظام موسیقایی نخواهد داشت. این موضوع است که موسیقی‌های اصیل را از موسیقی‌های غیراصیل متمایز می‌کند. اگر موسیقی اصیل باشد، «نقش هر پرده‌اش راه به جایی دارد» و «سخن‌شناس» محرم به آن «دردِ محبت»، از آن «عمل»، «مژه خون‌بالا»^۱ می‌گردد و موسیقی‌دان از آن «نقش» تحسّس و تحسیس^۲ می‌کند در این مرتبه است که موسیقی اثر و حال پیدا می‌کند. کیفیت این اثر و حال هر زمان که موسیقی اجرا می‌شود و به عرصه‌ی وجود می‌رسد مشخص می‌شود و بستگی تام به ادراک موسیقی‌دان از آن نشأت دارد. بدین‌جهان امکان می‌کند شخصی یکی از آهنگ‌های درویش‌خان را بنوازد و هیچ کیفیت خاصی نداشته باشد و دیگری از همان قطعه کیفیتی متعالی تولید کند در بدیهه‌پردازی بر مبنای همین موضوع صادق است. مانند تولد موجودی زنده از رشته‌های دی‌ان‌ای (DNA) که وقتی آن ژن‌ها به عرصه‌ی وجود می‌رسند، کیفیت و خاصیتشان بروز می‌کند. سازتازان موسیقی از عدم، مستلزم برخورداری موسیقی‌دان از قدرت ایجاد است، که بیزی و رای نوآوری و فوق‌بشری است. اما ساخت یک موسیقی از مواد اولیه، در حدّی ضروری است و در استعداد عموم قرار دارد و هر کس به نسبت ظرف خویش از آن بهره می‌جوید در قدیم، شیوه‌ی آموزش بر این بوده است که در ابتدا با نشأتی که از یک بازیگر یا یادگار مانده، شخص را تا زمانی که از مرحله‌ی وابستگی بیرون بیاید آشنا می‌کنند. به تدریج شخص به پختگی‌ای می‌رسد که خود قدرت تولید نشأتی را پیدا می‌کند. شخصی به این مرتبه می‌رسد، آن نشأت نو را از او می‌گرفتند و به گنجینه اضافه می‌کردند (در موسیقی ایرانی گوشه‌هایی در ردیف هستند که نامشان، نام هنرمندانی است که آن گوشه‌ها را پدید آورده‌اند).

۱. مطرب از درد محبت عملی می‌پرداخت که حکیمان جهان را مژه خون‌بالا بود (حافظ)

۲. رک، صفوت، داریوش، هشت گفتار درباره‌ی فلسفه‌ی موسیقی، ج ۱، تهران، کتاب‌سرای نیک، ۱۳۸۶.

۳. می‌توان این مرحله را با آموزش ردیف قیاس کرد.

موسیقی‌دانان همواره آن ایده‌آلی که تمام مصادیق موسیقی، ظهور جلوه‌ای از آن هستند را می‌جستند. ظاهر موسیقی بنا به فرهنگ و زمان و عوامل اجتماعی و ... صور نو به خود می‌گیرد اما جوهری واحد و پویا به آن کالبد جان می‌بخشد. نشأتی است که از دانی و ناسوتی، تا اعلی مرتبه‌ی امکان، وجود دارند (از موسیقی شهوانی و فخر فروشانه و غیره گرفته تا موسیقی‌های معنوی و الهی). ولی دسترسی به هر سطحی از این نشأت، بستگی به قدرت پذیرش موسیقی‌دان و گیرندگی او دارد. نیت و پرورش فکر او تعیین می‌کند که از چه منبعی و با چه دقت و وضوحی دست‌یابی کند.

بنا بر طریقه اشاره شد، در موسیقی‌های سنتی، یکی از سیرهای نشأت را محفوظ و منتقل می‌کنند. این پایه قرار می‌دهند تا در نتیجه‌ی تعمق و ممارست بر آن پایه، شخص با ساز و کار سیف نحوه‌ی سیر در آن نشأت آشنا شود و حوزه‌ی فعالیت درونی آن بر وی هویدا گردد. این مرتبه به‌طور تمام و کمال و تحت نظارت یک ره‌شناس و ره‌ما انجام شود. آن‌گاه در ذهن هنرمند نقش می‌بندد نسبت به آن ایده‌آل، اعوجاج خواهد داشت و اساتید و استادان خود را از دست می‌دهد و مکانیکی و تصنعی می‌شود اما پس از طی این مرحله، شخص نسبت به درجه‌ی پختگی‌اش به اجتهاد می‌رسد و قدرت اتصال اجزا را به‌طور طبیعی به کل پیدا می‌کند و بنا به مقتضیات حالیه‌اش انواع ترکیبات را می‌تواند در نشأت می‌خود از آن نشأت پدید آورد و سیر حال و فکر خود را به اجرا بگذارد.

مهم‌ترین موضوع برای پدید آوردن موسیقی متعالی، کسب مراتب متعالی است که برای یافت آن، شخص باید بتواند به حالی برسد که این نشأت را درک و در مرحله‌ی بعد جلوه‌گر کند به نسبتی که وجودش تعالی یابد، این قدرت را به اجتهاد می‌شود یعنی با تکمیل عالم، علم پیشرفت می‌کند تکمیل عالم، همان قدرت که در انتقال از امکان به وجود است، بدون مخلوش و مشوب کردن کیفیت اولیه و حتی تعالی بخشیدن آن. در انتقال از عالم بی‌زمان به زمان، از معقول به محسوس و از قوه به فعلیت است که موسیقی اثر و حال متناظر با مسیری را که از آن به فعلیت می‌رسد پیدا می‌کند.

تکیه‌ی دکتر داریوش صفوت در فلسفه‌ی موسیقی بر تعالی اخلاقی بود و آن را تنها راه تعالی نشأت و کیفیات و اثر موسیقی یک موسیقی‌دان می‌دانست. در پی آن بود که با ساده‌ترین و عملی‌ترین زبان این روند را تبیین کند و در سخنرانی‌ها و مقالاتش به کرات جنبه‌های مختلف این «نکته» را می‌گشود و خود نیز در عمل، آن را به شاگردانش نشان می‌داد و آنالیز می‌کرد می‌گفت: اگر بخواهیم موسیقی‌مان بیسرفت کند، باید درون خودمان پیشرفت کند و البته موسیقی وسیله‌ای می‌شود که اگر در راه صحیح استفاده شود می‌تواند به این پیشرفت کمک کند امید است این مجلد سخنرانی‌ها از مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اوست، در جهت رمزگشایی این مکانسم مفید واقع گردد.